

## COPIRAN094

چکیده: در جامعه امروز امریکایی، ورزش وسیله ای برای بحث در باره امور پراهمیت اخلاقی و فرهنگی شده است. جامعه نمونه امریکایی در این بحث به دلیل

اشباع فرهنگی انتخاب شده است، این اشباع نقش مهمی را در مباحث عمومی ایفا می کند. ورزش بستر مناسبی را برای بحث روزانه در مورد مسایل اخلاقی و فرهنگی فراهم می کند.

از نظر تاریخی، ورزشها همیشه بخش جدایی ناپذیر تجربیات انسانی بوده اند. «پلاتو» در قوانین بیان کرده است «انسان ملعبه خداوند و در عین حال بهترین

بخش اوست». بنابراین، هر مرد و زن باید مطابق آن زندگی کنند و بهتری بازی ها را انجام دهند.

انسان ها طی قرون به مشاهده ورزش و اظهارنظر در باره آن پرداخته اند.

در جامعه امروز امریکایی، ورزش وسیله ای در دسترس برای عموم شهروندان و نیز دانشگاهیان است تا در امور عمومی شرکت کنند. همان طور که پروفیسور

جیمز شل یادآوری کرده است. بحث های فلسفی گاهی خود را به شروعی

غیرفلسفی می سپارد. ورزش در جامعه وسیله ای برای بحث در باره امور مهم

اخلاقی و عرفی است. جامعه تجویز امریکایی بر آن منظور در این بحث انتخاب

شده است که فرهنگی اشباع شده از ورزش دارد. تمامی امریکایی های دارای

COPIRAN094

زمینه اجتماعی - اقتصادی و آموزشی در باره این مفاهیم بحث می کنند. آن هم بسیار گسترده و در غالب مجلات علمی و عمومی، در ورزش گاه ها، و دور میز صبحانه این امور را در محل کار و نیز در گردهمایی های مناسبی مورد بحث قرار می گیرند. سخنران های رادیو تمایز قاعده مندی از امور وابسته به ورزش را نشان می دهد و روزنامه ها نیز در هر بخش این مباحث را انجام می دهند. وقتی مردم در باره ورزش سخن می گویند، به طور همزمان اموری بسیار مهم تر را مد نظر دارند و در بحثی شرکت می کنند که بحث روز امریکایی ها می باشد. این اشباع بودن، نقش حیاتی را در تحریک افراد برای شرکت در مباحث عمومی بازی می کند. ورزش ها، بستری مناسب را برای بحث روزانه در باره مسائل مهم اخلاقی و اجتماعی فراهم می آورد. مباحث عمومی و انعکاس فلسفی معمولاً مربوط به فلاسفه و سیاستمداران است. مفاهیم فلسفی سنتی همانند حقیقت عدالت، ارزش انسانی، نقش های جنسیتی و پیوستگی در این لیست وجود دارند. جامعه شناسان فلاسفه و منتقدان فرهنگی امور را مورد مطالعه و تجزیه و بحث قرار می دهند. آنها معمولاً این عمل را در غالب مجلات علمی، گردهمایی ها و کتاب ها به گونه ای بسیار رسمی انجام می دهند. آنها بسیار هدف مند و با قصد تاثیرگذاری روی فرهنگ به طریقی که انعکاس دهنده بحث خاص مورد نظر

#### COPIRAN094

باشد این کار را انجام می دهند. اگرچه، وقتی امریکایی های عامی در باره آخرین ایمنی رادمن بحث می کنند، هدف تاثیرگذاری روی فرهنگ را ندارند. چون

موضوعاتی از قبیل پاسخگویی و مسئولیت های شخصی و نیز بودن ممکن است. مباحث شامل امور پراهمیت برای فرهنگ نیست. برخلاف انتظار ما، شرکت کنندگان آن گونه که ما فکر می کنیم تاثیر نمی گذارد و به عنوان یک جامعه عمل نمی کنند.

دسترسی داشتن جامعه امروزی امریکایی به ورزشی، امکان حضور طبیعی

شهروندان عادی را برای شرکت در مباحثات عمومی ایجاد می کند. در بسیاری از حالات، افراد نمی فهمند که در حال شرکت کردن در چنین فرایند مهمی هستند.

اهمیت بحث های آتی روزانه که شامل ورزش است، نباید مورد برآورد قرار گیرد. این مباحثی که بسیاری از امریکایی ها در آن شرکت می کنند، اجازه می دهد که با بحث در باره مفاهیم مهم فلسفی و امور فرهنگی ادامه پیدا کند. این

شراکت سازمان یافته است و از مباحث روزانه و بطور عام استنباط با فرهنگ

سرچشمه می گیرد. خوب است که در باره قرارداد امضا شده توسط الکس

رودریگز سخن بگوییم زیرا اثبات می کند که ما در حال فکر کردن در باره امور

مهم از جمله ارزش های انسانی و استفاده اخلاقی از پول هستیم. ورزش این

#### COPIRAN094

مفاهیم را ساده می کند و آنها می توانند با آن کشتی بگیرند. مردم، می توانند بگویند که ورزش بسیار خشن و تجاری و جنسی است. ما میگوئیم زیرا مقوله

های خشونت، تجارت و جنسیت گرایی، برای پیشرفت هر جامعه مورد نیاز است. ورزش بخش مهمی از جمعیت امریکایی را سبب می شود که در ادامه دادن به بحث درب اراه اهمیت امور اخلاقی و اجتماعی بپردازند.

نگاهی به یک روز یک فرد امریکایی، نشان می دهد که چگونه ورزش های یک فرهنگ شده اند و چه میزان امریکایی ها در بحث های عمومی شرکت می کند.

شهروند X با گوش دادن به یک ایستگاه رادیویی بیدار می شوند. رادیو توسط ساعت ها موج 570 واقع در سیاتل، واشنگتن روش می شود، ساختار سیاسی و فرهنگی با تکیه بر است. همان برنامه کیربی ویلور است و موضوع روزکیسی مارتین است. ویلور مشغول تماس های است که در باره اهمیت تصمیم دادگاه اعظم درب اراه اجازه دادن به کسی در استفاده از الکتریکی گلف در حین تورنمنت

DGA است. مارتین «یک گلف باز حرفه یا ۲۸ ساله است که از یک سندروم به نام کلیپل وبر رنج می برد، یک نامنظمی که ران او دچار شده بود و پیاده روی طولانی را برای او دردناک یم ساخت. وقتی مارتین از استفاده از ماشین گلف در یک تورنمنت گلف بازان حرفه یا منع شد، آقای مارتین به خاطر عدم توجه به

## COPIRAN094

معلولیت خود از آمریکایی ها شکایت کرد. او این قضیه را به سود خود به پایان برد و این موضوع تماس گیرنده را تحریک می کند تا بسیار مهربانانه پاسخ دهد

و از مناسب بودن واسطه دولتی در اجتماعات خصوصی است. آنها می پرسند آیا دسترسی مساوی و به قوانین در این شرایط وجود دارد. آیا استفاده از چرخ گلف، به مارتین فایده ای غیرعادلانه می داد؟ از همه پراهمیت تر، بسیاری از تماس گیرندگان خودشان گلف باز نبودند، اما ورزش هیا مشابه زمینه ای را برای بحث فراهم می آورد. در ساعت 6:05 صبح پوگت ساند در باره

موضوعات پراهمیتی بحث می کنند، همگی در باره مسائلی که جهت فرهنگی ما را تغییر دهد. مفاهیم پراهمیت همانند جوانمردی، آزادی موسسات، مهرورزی به افراد نیازمند و تهییج به کار سخت و پشتکار. ورزش این گونه تماس گیرندگان را به فلاسفه آماتور و فقدهای فرهنگی تبدیل کرده است. یکی دیگر از فعالیت های رایج، خواندن و مشاهده مقالات، و روزنامه های صبح،

صفحه ورزشی یک عکس از سیاتل پرنس، بیس بال باز، به هلت نیلیون می دهد. این جریان منابع مالی زیادی را برای بنیاد سوزان کولی فراهم کرد. حجا بوهنر، کولز در طی سال ۲۰۰۱ بازی نکرده بود. او هنوز یک هوادار دوست است و برای حضور در تیم پس از بازگشت مورد تحسین قرار گرفت. افراد در باره روحیه

## COPIRAN094

تیمی و وفاداری او به وفاداران صحبت می کنند و بقیه از یان تعجب می کنند که چرا او در خانه نیست و وقت خود را با زن و فرزند خود نمی گذراند وقتی که این

موقعیت را دارد. بقیه می پرسند که آیا برای یک زن ۷۷ ساله مناسب است که سر خود را بتراشد؟ چگونه برای ما جنسیت و سن موضوع قابل ملاحظه می شود؟ بحث فرهنگی ادامه می یابد. حتی اگر بدون آگاهی از واقعیت باشد، با داشتن سرهای تراشیده، هواداران دلیلی برای ارتباط متقابل با جامعه و اعضای آن دارند. آنها مبه بحث عمومی کمک می کنند. آنها سرگرم بودند و از آنچه که پلاتو

آنها را چیزهای پراهمیت زندگی می دانست، لذت می بردند. این حضور فرهنگی می تواند و اصولاً تاثیر می گذارد به صورت گسترده ای بر جامعه.

در راه کار، دوباره موضوعات مربوط به ورزش پخش می شوند. رادیو اینک به موج گفتگوی ورزشی تنظیم شده است. ایستگاه هایی با این ساختار با نرخ عجیب در حال گسترش اند. بیش از ۲۰۰ ایستگاه ملی، همینک برای هواداران

بخصوص مردان با نوع خاصی از رادیوهای ورزشی برنامه پخش می کنند... بنابر اینترپ، یک موسسه رادیوی نیویورک، ۳۷ درصد شنوندگان رادیوی ورزشی، خانه دارانی با درآمد بیشتر از 35/000 دلاراند. مورکل برای رادیو، درصد شنوندگان ۲۱ است. دیوید نئوگلدبرگ، در مجله ورزشی و امور اجتماعی

#### COPIRAN094

می نویسد: رشد وسیع رادیوهای ورزشی بازدارنده دموکراسی در ایالات متحده است. بنابراین مجله بیلبورد، پیت رز میزبان سندیکائی رادیوهای ورزشی را تشکیل داد. این موضوع مسایل مهمی را برانگیخت. این موضوع چه ارتباطی به چه های ما دارد؟ آیا این مهم است که او بر ضد تیم خود شرطبندی کند؟ آیا پیوستگی و افتخار هنوز جایی در جامعه ما دارند؟ همانطور که تحلیل گران حرفه ای و فلاسفه فرهنگی به موقعیت ها مختلفی قرار دارند، هواداران در باره بازی دیشب تیم تگزاس رنجرز تماس می گیرند آنها یم خواهند در باره بیس بال صحبت کنند. الکس رودریگز، موضوع بحث است. همه تماس گیرندگان از دیدگاه اجتماعی و مقبولیت فرهنگی سخن می گویند. هواداران هو کشیدند آیا این موضوع مهم بود؟ آیا آن ورزشکار خوب بودن را اثبات کرد؟ آیا او مستحق این امر بود؟ آیا مدیریت مجاز به درخواست برای حفظ فرهنگ و شئونات بودند؟ حتی مسئولان ورزشی از اینکه هواداران چه شور و حرارتی برای شنیدن داشتند، تعجب کردند. این شور و حرارت و درخواست، منجر برانگیختن امور پراهمیت برای متقاعد سازی عمومی برای بخارات فرد برای توهین شد. این تجربه برانگیخته شدن عمومی احساسات، به عنوان نمودی از فرهنگ، موضوعی برای بحث در آینده شد. در حین این برنامه افراد زیادی راجع به امور ذاتی

#### COPIRAN094

صحبت کردند. هواداران از ورزش صحبت یم کردند ولی در عین حال ندر باره مضامینی از قبیل ارزشهای انسانی، ورزشکار بودن، تمدن و وفاداری صحبت می کردند. خوبی رایج، که ممکن است متاثر از امضای گران ترین قرارداد "راد" در بیس بال باشد، نیز در نظر گرفته می شود. چگونه بر بیس بال تاثیر می گذارد. چگونه بر چگونه روی اقتصاد شهرهای دارای تیم در لیگ های اصلی که نمی توانند چنین ارقام نجومی را تأمین کنند، تاثیر می گذارد؟ نه تنها ورزش بستر را برای بحث های جدی فراهم یم کند، وسیله ای چون رادیوی ورزشی نیز می تواند این موضوع را تهییج کند.

در کار، در اتاق استراحت، در میان شوخی های عادی، سوال الکس رودریگوئز ادامه پیدا می کند. بسیاری سئوالات پیش می آید. آیا هیچ شخصی ۲۵۲ میلیون می ارزد، حتی بالای ده سال؟ بنا بر گفته روسی آتکین در نوشته اش در کریستین ساینس مونیتر، یک هوادار تگزاسی از قرارداد "راد" به دلیل قیمتی نجومی قراردادش آزرده نشده است. برخی می پرسند که ایا او دیگر بازی کردن را دوست دارد؟ این سئوالات چگونه به عنوان اجتماع در باره ورزش احساس می کنیم. بسیاری معتقدند ورزش ها باید خاص باشند. ما قبول داریم که ورزش یک تجارت بزرگ است اما بازیکنان باید یک عشق واقعی در باره ورزش به نمایش



COPIRAN094

بگذارند. آیا آن پول می توانست جای بهتری هزینه شود؟ آیا این برای بیس بال خوب است؟ این بحث غیررسمی است. حضار، مطلقاً آنچه را مرکز بحث های

فرهنگی بزرگتر بیان می کند، نمی گویند. ورزش بستری است تا بحث های عمومی ادامه پیدا کند.

دنیای گسترده ورزشی، میزبانی نامحدود را برای بحث های فرهنگی و فلسفی ایجاد می کند. ابراز احساسات نسبت به یک ژاپنی، ایچیرو، برای طرفداران تیم سرین آرایه های پیچیده ای از امور فرهنگی و اجتماعی برای بحث را ایجاد کرد.

هرچند او هرگز در لیگ آمریکای شمالی بازی نکرده بود و به عنوان بازیکن ذخیره در بازی های تمرینی و برخی بازی های مهم به بازی می آمد، این هفته به بازی آمد. او خود را اثبات کرده بود. حال او ممکن است به عنوان بازیکنی تازه کار برتر سال مطرح شود. او اینک، هفت سال در ژاپن بازی کرده بود آیا او یک تازه کار بود؟ این امر در باره امریکا چه می گوید؟ آیا ما بر تمامی کشورها

برتری داریم؟ ایچر و با حضور بسیاری خود در لیگ های اصلی، این بحث را در باره نژاد به راه انداخته بود. گوینده ی رادیوی تیم، با بیان اینکه او به عنوان یک بازیکن ژاپنی، بسیار خوب است، اظهار نظری در باره نژاد کرده بود. منظور او چیه بود؟ آیا تنها یک لغزش زبانی بود؟ آیا به عنوان یک جامعه، ما ناخودآگاهانه

#### COPIRAN094

این گونه فکر می کنیم؟ ایچرو می خواهد به عنوان ایچرو شناخته شود. او تنها بازیکن لیگ اصلی است که نان کوچک او پشت لباسش نوشته شده است. این

واقعیت که ایچرو تن به مصاحبه های پشت درب های بسته نمی دهد، موضوعی راب ریا بحث در باره حریم شخصی و همگونی فرهنگی ایجاد می کند. ایچرو برای ارزش هایش باید با ۲۳ نویسنده ژاپنی، ۱۱ عکاس ژاپنی و خدمه تلوزیونی مبارزه کند. به عنوان یک جامعه، ما حضور زنان در کلوب های حرفه ای پشت درهای بسته یک هدیه می دانیم. برای یک بار هم که شده این موضوع به عنوان یک چیز واقعی و نه فرضی باید مبارزه کرد.

موضوع افزایش کارایی با استفاده از داروهای جانبی، ابتدا طوفان آشتی را برپا کرد، در باره دسترسی رسانه ها به حریم ورزشکاران، وقتی که آسوشیتدپرس، ورش نویس، استیو ویلتسین خانش ساخت که مارک مک وایر از وسایل کمکی در هنگام نزدیک شدن به رکورد استفاده کرده است. در ابتدا موضوع

ورزشکاران حرفه یا را نگران کرد. بسرعت موضوع برای بحث عموم شد. آیا عادلانه و جوانمردانه است که از وسایل کمکی برای بالا بردن توانایی استفاده شود؟ آیا این انواع کمک ها، زیان آور هستند؟ بسیاری معتقدند که برای بدن زیان

COPIRAN094

آور است. مارک مک وایز، زندگی خصوصیش باعث ادامه این بحث در میان عمومی آمریکایی ها شدن بود.

جان راکر، بیس بال باز تیم بیو آتلانتا، محلی را برای بحث در باره امور رایج فرهنگی ایجاد کرد. تبعیض جنسی، نژادپرستی اموری هستند که وقتی نام جان راکر ذکر می شود به آنها برمی خوریم. بعد از آنها که ورزش چاپ شد که: تصور کنید ۷ قطار را به پارک ببرید و مشابه اینکه در حال دویدن در بیروت، در کنار چند بچه با لباس های زرشکی، در کنار دیوانه یا با ایدز در کنار افرادی که

به تازگی از زندان آزاد شده اند و در کنار یک مادر ۲۰ ساله با چهار فرزند هستید. شما می توانید تمام مدت در بلوک بدوید بدون آنکه بشنوید کسی انگلیسی صحبت کند. آسیایی ها، کره ای ها، ویتنامی ها، هندی ها، روس ها، و مردم اسپانیا آنها در این شورها چه غلطی می کنند؟ این غلیان ضد و نقیض به بسیاری از بحث های گرم و داغ می انجامد بسیاری از مردم از راکر دفاع کردند. سوال

نیاز به پرسیده شدن دارد؟ چه چیزی در باره وضعیت رایج روابط نژادی در جامعه گفته می شود. سنوال دیگری که این حادثه بوجود می آورد این است که چگونه هواداران با راکر بعد از این برخورد کردند. آیا این یک نکته منفی برای افراد و یا گروه ها نیست که آنها را گردن قرمز بنامند.

#### COPIRAN094

در دنیای ورزشکاران بچه غیرحرفه ای، بحث فرهنگی ادامه می یابد. ارزش ها، روشن و واضح یم شوند. ارز ایکنویان، در مجله زندگی خانواده می نویسد:

پیشنهاد می کند که والدین به دنبال برنامه هایی بگردند که مربیان خاص خود را برای آموزش نیاز دارند. در غیر این صورت، آنرا ممکن است به مدل مربیان تجاوز، تنبیه گر و پیروزی به هر قیمتی، اتکا کنند که در ورزش های حرفه یا دیده می شود. او همچنین به والدین توصیه می کند که جلسه تمرین را مشاهده کنند. ببینید مربی چگونه ورزشکاران را کنترل می کند. مربی نباید همیشه دستورات

خود را دیکته کند و یا از فعالیت های بدنی به عنوان تنبیه استفاده کند (نشاندن رو ینیمکت برای زمانی معلوم راهی موثرتر برای تنبیه است). نویسنده پیشنهاد می کند که خشونت در یک مربی برای جامعه خوب نیست و نباید با بچه هایمان اینگونه رفتار شود. این یک موضوع مهم برای بحث عمومی است. ورزش به وضوح، بخش جدایی ناپذیر جامعه ماست. آنها بخش مهمی هستند که امریکایی ها با آزادی در بحث های فرهنگی و اجتماعی شرکت می کنند.

COPIRAN094

مقدمه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً. قيماً لينذر بأساً شديداً من لدنه و يبشّر المومنين الذين يعلمون الصالحات أن لهم أجراً حسناً. صلوات الله و بركاته على الذي انزل عليه القرآن ليكون للعالمين نذيراً، وللذين آمنوا و عملوا الصالحات بشيراً، و على آله و اهل بيته الذين هم خير خلقه و حافظ رسالاته.

قرآن؟!؟

نزول قرآن از عالن اعلاى قدرت، ظهور آن در حليه عباراتى برتر از بلاغت، و تاثير حكيمانه آن در هدايت، بسى شگفت انگيز و يخره كننده است؟! كتابى كه پرتو هدايت آن زوايى روح و فكر و نفسيات و روابط حدود و حقوق خلق را با يكدیگر و همه را با خالق و اعمال را با نتايج روشن ساخت و نفوس را روبرو با اصلاح و اصلاح پيش برد و استعدادهاى خفته را بيدار كرد و بجنبش آورد، همراه اصلاح نفوس و بكار افتادن استعدادها خيرات طبيعت را جارى و در دسترس همه قرار داد، اندیشه ها را فرا آورد، جلوى ديدها را باز كرد. شعله هاى از ايمان در دلها برافروخت، تاريكى اوهام و وحشت ها و كينه ها را از ميان برد. بندهائى كه در

#### COPIRAN094

قرون ممتد جاهلیت عقلها و اندیشه ها و دستها را بسته بود و نفوس خلق را ببندگی غیر خدا درآورده بود گسیخت، عقده های واپس زده را گشود، محرومیت

ها را از میان برد، راههای قانونین بهره برداری از لذات مادی و معنوی را به روی همه باز کرد، با تحلیلیکه از عمق ضمائر و نفوس سرچشمه میگرفت جهشی در اندیشه ها و اخلاق و آداب پدید آورد، با از میان بردن اوهام و عصبیت ها، فاصله عناصر گوناگون ناجور و ناهموار را با هم جور و هم آهنگ و متحد ساخت و زبانهاییکه بانگ ازادی بخش تکبیر از آنها برمیخاست و دستهاییکه

قانونی عمومی حیات و سایه رحمت و شهپر عزت را حمل میکرد، و پنجه های آهنینی که شمشیر درخشان عدل را بر میداشت بسوی جهان از هم گسیخته و نظامات منحن و سرزمین های ظلم و جور ببیش رفتند، در زمانی کوتاه پرده های ضخیم شرک و اشباح قدرتها را از جلو دیدگان مردم ستم کشیده و وحشت زده برداشتند.

با تعالین و مقررات این کتاب افراط در تمایلات معنوی و مادی و کشش و تضاد میان خواستهای روحی و غرائز جسمی در نفوس حاملین این رسالت و عاملین باین شریعت از میان رفت، و با توجه به انگیزه های واپس زده و انجام درخواستهای مشروع به تهذیب خلق و تکمیل نفس و تحکیم عقل پرداختند، و

## COPIRAN094

فاصله میان دیرنشینان و واپس زده های چشم از دنیا پوشیده، و دنیا پرستان چشم بمال و شهوات دوخته را برداشتند و چشمهائی را به دیدن ارتباط و تلازم

ماده و معنا و دنیا و آخرت گشودند و در صراط مستقیم عمران دنیا و پیشرفت بسوی عقبی به راه افتادند، و نا هم آهنگی میان جسم و جان را از میان برداشتند.

این توحید در عقیده و هدف و باز شدن چشمهای جهان بینی، این تحول نفسانی

و هم آهنگی قوای روانی و بیدار شدن استعدادها و جوشیدن سرچشمه های

فضائل، و از میان برداشتن فاصله های وهمی و ساختگی و گسترده شده سایه

عدالت، و قدرت سازندگی و ابتکار، همه از آثار تابش مستقیم قرآن بر زوایای

نفوس و پرتو هدایت آن بود.

با بیان دیگر: اندیشه آزاد و اختیار در عمل از امتیازات آدمی است، میاندیشد که

بفهمد، میاندیشد کھئ صورتی مبهم یا مفصل از غایات و نتایج اعمال خود را

تصویر نماید و آنگاه تصمیم بر عمل میگیرد و عزم حاصل می شود، از یانرو

میگویند: «غایات در وجود خارجی و تحقق، واپسین، و در تصویر و تحریک

نخستین است و همواره منشأ فعالیت فاعل میباشد» و هرچه محرک - که همان

اندیشه غائی است - برتر و روشن تر باشد عزم بر عمل پا بر جاتر و تحیر و

اضطراب کمتر و محیط عمل و انعکاسات آن وسیعتر و اثرش باقی تر میباشد،

#### COPIRAN094

چون درک و تصور کامل واقعیات و منافع و مصالح چنانکه هست، و رهبری به آن منشأ عزم و تصمیم است، از قدرت عقول محدود و محکوم و دریافت های آن بیرون میباشد، باید پرتو هدایت برتری بر خردها و نفوس بتابد تا حدود موجودات را تا آنجا که میتوان دریافت و غایات و نتایج اعمال را روشن کند، و رهبر آدمی که پدیده ئی اندیشیده و آزاد است گردد و شخصیت انسانی را برترآرد و بسوی خیر و صلاح و بقاء او را پیش برد.

#### انسان در جهان بینی اسلامی

انسان در جهان بینی اسلامی داستاین شگفت دارد، انسان اسلام تنها یک حیوان مستقیم القامه که ناختی پهن دارد و با دو پا راه می رود و سخن می گوید نیست. این موجود از نظر قرآن ژرفتر و مرموزتر از اینست که بتوان آن را با این چند کلمه تعریف کرد.

قرآن، انسان را مدحها و ستایشها کرده و هم مذمتها و نکوهشها نمده است، عالیترین مدها و بزرگترین مذمتهای قرآن در باره انسان است، او را از آسمان و زمین، و از فرشته برتر و در همان حال از دیو و چارپایان پست تر شمرده است. از نظر قرآن، انسان موجودی است که توانائی دارد جهانرا مسخر خویش سازد و



COPIRAN094

فرشتگانرا به خدمت خویش بگمارد و هم مس تواند به (سافل السافلین) سقوط کند.

ارزشهای انسان

۱- انسان خلیفه خدا در زمین است

(روزی که خواست او را بیافریند اراده خویش را به فرشتگان اعلام کرد. آنها گفتند: آیا موجودی می آفرینی که در زمین تباهی خواهد کرد و خون خواهد

ریخت؟ او گفت: من چیزی می دانم که شما نمی دانید)

(اوست که شما انسانها را جانشینهای خود در زمین قرار داده تا شما را در مورد

سرمایه هائی که داده است در معرض آزمایش قرار دهد.)

۲- ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیتهائی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد.

(تمام اسماء را به آدم آموخت (او را به همه حقایق آشنا ساخت) آنگاه از

فرشتگان (موجودات ملکوتی) پرسید نامهای اینها را بگوئی چیست؟ گفتند ما جز

آنچه تو مستقیما به ما آموخته ای نمی دانیم (آنچه را تو مستقیما به ما نیاموخته

باشی ما از راه کسب نتوانیم آموخت) خدا به آدم گفت: ای آدم به اینها بیاموز و

COPIRAN094

اینها را آگاهی ده، همینکه آدم فرشتگان را آموزانید و آگاهی داد، خدا به فرشتگان گفت: نگفتم که من از نهانهای آسمانها و زمین آگاهم (می دانم چیزی را که حتما

نمی دانید) و هم می دانم آنچه را شما اظهار می کنید و آنچه را پنهان می دارید).

۳- او فطرتی خداشنا دارد، به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد،

همه انکارها و تردیدها، بیماریها و انحرافهایی است از سرشت اصلی انسان.

(هوز که فرزندان آدم در پشت پدران خویش بوده (و هستند و خواهند بود)

خداوند (با زبان آفرینش) آنها را بر وجود خودش گواه گرفت و آنها گواهی

دادند.»

«چهره خود را به سوی دین نگهدار، همان که سرشت خدائی است و همه مردم را

بر آن سرشته است.»

۴- در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود

دارد. عنصری ملکوتی و تالهی وجود دارد، انسان ترکیبی است از طبیعت و

ماوراء طبیعت، از ماده و معنی، از جسم و جان.

۵- آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است، تصادفی نیست، انسان موجودی

انتخاب شده و برگزیده است.

«خداوند آدم را برگزید و نوبه اش را پذیرفت و او را هدایت کرد.»

COPIRAN094

۶- او شخصیتی مستقل و آزاد دارد. امانت دار خدا است، رسالت و میثولیت دارد. از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کرد.

«همانا امانت خویش را بر آسمان و زمین و کوهها عرضه کردیم، همه از پذیرش آن امتناع ورزیدند و از قبول آن نرسیدند، اما انسان بار امانت را به دوش کشید و آنرا پذیرفت، همانا او ستمگر و نادان بود.»

«ما انسانرا از نطفه ای مرکب و ممزوج آفریدیم تا او را مورد آزمایش قرار دهیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم، همانا راه را به او نمودیم، او خود یا سپاسگزار است و یا کافر نعمت، (یا راه راست را که نمودیم خواهد رفت و به سعادت خواهد رسید و یا کفران نعمت کرده، کرده، منحرف می گردد.)»

۷- او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است. خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آنگاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می کند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستیها و دنائتها و اسارتها و شهوتراننها بشمارد.

«همانا ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنانرا بر صحرا و دریا (خشک و تر) مسلط کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری دادیم.»

COPIRAN094

۸- او از وجدانی اخلاقی برخوردار است به حکم الهامی فطری، زشت و زیبا را درک می کند.

«سوگند به نفس انسان و اعتدال آن که ناپاکی ها و پاکیزگیها را به او الهام کرد.»

۹- او جز با یاد خدا با چیز درگرا آرام نمیگیرد، خواستهای او بینهایت است به هرچه برسد از آن سیر و دلزده می شود مگر آنکه به ذات بی حد و نهایت (خدا) بپیوندد.

«همانا تنها با یاد او دالها آرامی می گیرد.»

«ای انسان تو به سوی پروردگار خویش بسیار کوشنده هستی و عاقبت او را دیدار خواهی کرد.»

۱۰- نعمتهای زمین برای انسان آفریده شده است.

«همانا او اسن که آنچه در زمین است برای شما آفرید.»

«آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مسخر او قرار داده است.»

پس او حق بهره گیری مشروع از همه اینها را دارد.

۱۱- او برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را بپذیرد،

پس او وظیفه اش اطاعت امر خدا است.

«همانا جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند.»

COPIRAN094

۱۲- او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی یابد و اگر خدای خویش را فراموش کند خود را فراموش می کند و نمی داند که کیست؟ و

برای چیست؟ و چه باید کند و کجا باید برود؟

مادی، داریا فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از شعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد: ظرفیت علمی و عملیش نامحدود

است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احيانا انگیزه هایش هیچگونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره گیری مشروع از نعمتهای خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خودش وظیفه دار است.

ضد ارزشها

در عین حال همین موجود در قرآن مورد بزرگترین نکوهشها و ملامتها قرار

گرفته است «او بسیار ستمگر و بسیار نادان است» «او نسبت به پروردگارش

بسیار ناسپاس است» او «آنگاه که خود را مستغنی می بیند طغیان می کند» «او

عجول و شتابگر است»

COPIRAN094

«او هرگاه به سختی بیفتد و خود را گرفتار ببیند ما را در هر حال: به یک پهلو افتاده و یا نشسته و یا ایستاده می خواند. همینکه گرفتاری را از او برطرف کنیم

گوئی چنین حادثه یا پیش نیانده است»

«او تنگ چشم و ممسک است»

«او مجادله گر ترین مخلوق است»

«او حریص آفریده شده است»

«اگر بدی به او رسد جزع کننده است و اگر نعمت به او رسد بخل کننده است»

زشت یا زیبا؟

چگونه است؟ آیا انسان از نظر قرآن یک موجود زشت و زیباست، آنهم زشت

زشت و زیبای زیبا.

آیا انسان یک موجود دوسرشتی است: نیمی از سرشتش نور است و نیمی

ظلمت؟ چگونه که قرآن هم او را منتها درجه مدح میکند و هم منتها درجه مذمت؟! حقیقت اینست که این مدح و ذم از آن نیست که انسان یک موجود دو سرشتی است: نیمی از سرشتش ستودنی است و نیم دیگر نکوهیدنی. نظر قرآن به این است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آنها را به فعلیت برساند. و این

#### COPIRAN094

خود او است که باید سازنده و معمار خویشتن باشد، شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد «ایمان» است. از ایمان، تقوا و عمل صالح و کوشش در راه خدا برمی خیزد، به وسیله ایمان است که علم از صورت یک ابزار ناروا در دست نفس اماره خارج می شود و به صورت یک ابزار مفید درمی آید.

پس انسان حقیقی که خلیفه الله است، مسجود ملائکه است. همه چیز برای او است و بالاخره دارنده همه کمالات انسانی است، انسان به علاوه ایمان است، نه انسان منهای ایمان.

در قرآن آیاتی آمده است که روشن می کند انسان ممدوح چه انسانی است؟ و انسان مذموم چه انسانی است؟ از این آیات استنباط می شود که انسان فاقد ایمان و جدا از خدا، انسان واقعی نیست. انسان اگر به یگانه حقیقتی که با ایمان به او، و یاد او، آرام می گیرد بپیوندد دارنده همه کمالات است و اگر از آن حقیقت، یعنی خدا، جدا بماند درختی را ماند که از ریشه خویشتن جدا شده است. ما به

عنوان نمونه دو آیه را ذکر می کنیم:

۱- والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عموا الصالحات و تواصوا بالحق

و تواصوا بالصبر

#### COPIRAN094

سوگند به عصر، همانا انسان در زیان است، مگر آنانکه ایمان آورده و شایسته عمل کرده و یکدیگر را به حق و صبر و مقاومت توصیه کرده اند.

۲- ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس، لهم قلوب الا یفقهون بها و لهم اعین لایبصرون بها و لهم آذان لایسمون بها اولئک کالانعام بل هم اضل «همانا بسیاری از جنیان و آدمیان را برای جهنم آفریده ایم (پایان کارشان جهنم است) زیرا دلها دارند و با آنها فهم نمی کنند، چشمها دارند و با آنها نمی بینند، گوشها دارند و با آنها نمی شنوند، اینها مانند چهارپایان بلکه راه گم کرده ترند.»

موجود چند بعدی از آنچه گفته شد معلوم شد که اسنان با همه وجوه مشترکی که با سایر جاندارها دارد فاصله که با جاندارها دارد فاصله عظیمی با آنها پیدا کرده است. انسان موجودی «مادی - معنوی» است. انسان با همه وجوه مشترکی که با جاندارهای دیگر دارد یک سلسله تفاوت‌های اصیل و عمیق با آنها دارد که هر یک از آنها بعدی جداگانه به او می بخشند و رشته ای جداگانه در بافت هستی او به شمار می رود. این تفاوتها در سه ناحیه است:

۱- ناحیه ادراک و کشف خود و جهان.



COPIRAN094

۲- ناحیه جاذبه هائی که بر انسان احاطه دارد.

۳- ناحیه کیفیت قرارگرفتن تحت تأثیر جاذبه ها و انتخاب آنها.

اما در ناحیه ادراک و کشف جهان، حواس انسان راهی و وسیله ای است برای آگاهی حیوان به جهان انسان در این جهت با حیوانات دیگر شریک است و احیاناً برخی حیوانات از اسنان در این ناحیه قوی ترند، آگاهی و شناختی که حواس به حیوان در این ناحیه قوی ترند، آگاهی و شناختی که حواس به حیوان و یا انسان می دهد سطحی و ظاهری است، به عمق ماهیت و ذات اشیاء و روابط منطقی آنها نفوذ ندارد.

ولی در انسان نیروی دیگری برای درک و کشف خود و جهان وجود دارد که در جانداران دیگر وجود ندارد و آن نیروی مرموز تعقل است.

۱- علم و دانائی

انسان دانش و آگاهی را تنها از آن جهت که او را بر طبیعت مسلط می کند و به سود زندگی مادی او است، نمی خواهد، در انسان غریزه حقیقت جوئی و تحقیق وجود دارد نفس دانائی و آگاهی برای انسان مطلوب و لذت بخش است. علم، گذشته از اینکه وسیله ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، فی حد نفسه نیز مطلوب بشر است، انسان اگر بداند رازی در وراء

COPIRAN094

کهکشانه‌ها وجود دارد و دانستن و ندانستن آن تأثیری در زندگی او ندارد، باز هم ترجیح می‌دهد که آنرا بداند. انسان طبعاً از جهل فرار می‌کند و به سوی علم می‌شتابد. بنابراین علم و آگاهی یکی از ابعاد معنوی وجود انسان است.

۲- خیر اخلاقی

پاره یا از کارها را انسان انجام می‌دهد نه به منظور سودی از آنها و یا دفع زیانی بوسیله آنها بلکه صرفاً تحت تأثیر یک سلسله عواطف که عواطف اخلاقی نامیده می‌شود. از آن جهت انجام می‌دهد که معتقد است انسانیت چنین حکم می‌کند.

فرض کنید انسانی در شرائطی سخت، در بیابانی وحشتناک قرار گرفته است، بی‌آذوقه و بی‌واسطه و هر لحظه خطر مرگ او را تهدید می‌کند. در این بین انسانی دیگر پیدا می‌شود و به کمک می‌کند و او را از چنگال مرگ قطعی نجات می‌بخشند. بعد این دو انسان از یکدیگر جدا می‌شوند و یکدیگر را نمی‌بینند، سالها بعد آن فردی که روزی گرفتار شده بودف نجات دهنده قدیمی خود را می‌بیند که به حال نزاری افتاده است، به یادش می‌افتد که روزی همین شخص او را نجات داده است. آیا وجدان این فرد در اینجا هیچ فرمانی نمی‌دهد؟ آیا به او نمی‌گوید که «پاداش نیکی نیکی است؟» آیا نمی‌گوید «سپاسگزاری احسان کننده واجب و لازم است؟» پاسخ مثبت است.

## COPIRAN094

آیا اگر این فرد به آن شخص کمک کرد وجدان انسانهای دیگر چه می گوید؟ و اگر بی اعتنا گذشت و کوچکترین عکس العملی نشان نداد وجدانهای دیگر چه می

گویند؟

مسئلاً در صورت اول وجدانهای دیگر او را تحسین می کنند و آفرین می گویند و در صورت دوم ملامت می کنند و نفرین می گویند. اینکه وجدان آن انسان حکم می کند «پاداش احسان، احسان است» و هم اینکه وجدان انسانها حکم می کند که «پاداش دهنده نیکی را به نیکی، باید آفرین گفت و بی اعتنا را، باید مورد ملامت و

شتمات قرار داد» از وجدان اخلاقی ناشی می شود و اینگونه اعمال را خیر اخلاقی می گویند.

معیار بسیاری از کارهای انسان «خیر اخلاقی» است، و به عبارت دیگر: بسیاری از کارها را انسان به جهت «ارزش اخلاقی» انجام می دهد نه به جهت امور مادی، این نیز از مختصات انسان است و مربوط به جنبه معنوی انسان و یک بعثت از

ابعاد معنویت او است. سایر جانداران هرگز چنین معیاری ندارند، برای حیوان خیر اخلاقی مفهوم ندارد و ارزش اخلاقی بی معنی است.

۳- جمال و زیبایی

## COPIRAN094

یک بعد دیگر از ابعاد معنوی انسان علاقه به جمال و زیبایی است. قسمت مهمی از زندگی انسان را جمال و زیبایی تشکیل می دهد، انسان جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی دخالت می دهد. جامه می پوشد برای سرما و گرما، به همان اندازه هم، ذ به زیبایی و دوخت اهمیت می دهد. خانه می سازد برای سکونت، و بیش از هر چیز به زیبایی خانه توجه دارد، حتی سفره یا که برای غذا خوردن پهن یم کند و ظرفی که در آن غذا می ریزد و حتی ترتیب چیدن غذا در ظرفها و بر سفره همه روی اصول زیبایی است. اسنان دوست دارد قیافه اش زیبا باشد، نامش زیبا باشد، جامه اش زیبا باشد، خطش زیبا باشد، خیابان و شهرش زیبا باشد، مناظر جلو چشمش زیبا باشد و خلاصه می خواهد هاله ای از زیبایی تمام زندگیش را فرا گیرد.

برای حیوان مسئله زیبایی مطرح نیست، برای حیوان آنچه مطرح است محتوای آخور است اما اینکه آخور زیبا باشد یا نازیبا دیگر مطرح نیست، برای حیوان پالان زیبا، منظره زیبا، مسکن زیبا و غیره مطرح نیست.

### ۴- تقدیس و پرستش

یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل ترین ابعاد وجود آدمی حس نیایش و پرستش مطالعه آثار زندگی بشیر نشان می دهد هر

## COPIRAN094

زمان و هرجا که بشر وجود داشته است نیایش و پرستش هم وجود داشته است، چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است، چیزی که هست

شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است. از نظر شکل، از رقص ها و حرکات دسته جمعی موزون همراه با یک سلسله انکار و اوراد گرفته تا عالی ترین خضوعها و خشوعها و راقی ترین انکار و ستایشها. و از نظر معبود، از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزه از زمان و مکان.

### ایمان مذهبی

انسان نمی تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد هرگونه ایده و ایمان یا به صورت موجود غرق در خودخواهی درمی آید که هیچوقت از لاک منافع فردی خارج نمی شود و یا به صورت موجودی مردد و سرگردان که تکلیف خویش را در زندگی در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی داند.

انسان دائما با مسائل اخلاقی و اجتماعی برخورد می نماید و ناچار باید عکس العمل خاصی در برابر اینگونه مسائل نشان بدهد و اسنان اگر به مکتب و عقیده و ایمانی پیوسته باشد تکلیفش روشن است و اما اگر مکتب و آئنی تکلیفش را روشن نکرده باشد همواره مردد به سر می برد گاهی به یان سو کشیده یم شود

#### COPIRAN094

و گاهی به آن سو، موجودی می گردد ناهماهنگ، آری در اصل ضرورت پیوستن به یک مکتب و یک ایده تردیدی نیست.

آن چیز که لازم است مورد توجه واقع شود اینست که تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک «مومن» واقعی درآورد، هم خودخواهی و خودپرستی را تحت شعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی «تعبد» و «تسلیم» در فرد ایجاد کند به طوری که اسنان در کوچکترین مسئله ای که مکتب عرضه می دارد به خود تردید راه ندهد، و هم آنرا به صورت یک شیئی عزیز و

محبوب گرانها درآورد در حدی که زندگی بدون آن برایش هیچ و پوچ و بی معنی باشد و با نوعی غیرت و تعصب از آن حمایت کند.

گرایش های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاشهای علی رغم گرایشهای طبیعی فردی انجام دهد و احيانا هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد، این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند

و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی که قادر است به ایده ها تقدس ببخشد و حکم آنها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد.

گاهی افرادی نه از راه ایده و عقیده مذهبی بلکه تحت فشار عقده ها، کینه توزیها، انتقام گیری ها و بالاخره به صورت عکس العمل شدید در برابر احساس فشارها

## COPIRAN094

و ستمها، دست به فداکاری می زنند و از جان و مال و همه حیثیات خود می گذرند، همچنانکه نظایرش را در گوشه و کنار جهان می بینیم.

ولی تفاوت یک ایده مذهبی و غیرمذهبی اینست که آنجا که پای عقیده مذهبی به میان می آید و به ایده قداست ببخشد، فداکاریها از روی کمال رضایت و به طور طبیعی صورت می گیرد. فرق است میان کاری که از روی رضا و ایمان صورت گیرد که نوعی انتخاب است با کاری که تحت تاثیر عقده ها و فشارهای ناراحت کننده درونی صورت می گیرد که نوعی انفجار است.

ثانیا اگر جهان بینی انسان، صرفا جهان بینی مایه و بر ساسا انحصار واقعیت در محسوسات باشد، هرگونه ایده پرستی و آرمانخواهی اجتماعی و انسانی بر خلاف واقعیت محسوسی است که انسان در آن هنگام در روابط خود با جهان احساس می کند.